





جمعی از شیعیان اهل حجاز و بصره و سایر بلاد نزد آنحضرت حج شدند تا ماه ذیحجه در آمد  
 احرام حج بستند و چون نزید پدید جمعی افرستاده بود که به بیان حج آنحضرت را گرفته  
 نزد او بر نیا بقتل آوردند حضرت احرام حج را بعمره عدول نمود و اعمال عمره بعمل  
 آورد و محل شد و متوجه عراق گردید و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله  
 علی بنیاد و علیه نقل کرده اند که چون آنحضرت میدانست نخواهند تا او حج را تمام فرماید  
 احرام حج بعمره مفروضت و عمره را با تمام رسانید و در روز هفتم ماه ذیحجه از مکه  
 بیرون شد و بعضی گفتند که در روز عرفه بیرون رفت و از سید ابن طاووس  
 روایت کرده اند که در روز سوم ماه مذکور بیرون رفت و در همان روز حضرت مسلم  
 را شهید کرده بودند و فرود آمدن کرد بلا بقول جمعی روز چهارشنبه یا پنجشنبه دوم  
 ماه محرم سال شصت و یکم از هجرت بود و بقولی روز هشتم ماه مذکور بود و در وقت  
 شادت عمر شریف آنحضرت به پنجاه هفت و سال رسیده بود و اما قالوا  
**فصل در بیان غمگرم که بر روح اعظم رسول مکرم گذشت**  
 در روز واقعه که بلا آن رسول با صغار اهل مدینه گریان و از درد و غم نالان در  
 خواب دیدند و از آنحضرت شنیدند که فرمود من در قضیه نامرضیه که بلا حاضر  
 بودم و خون هاست شهیدان نزد خدای بر من فی المشکاة من ابن عباس انه قال  
 رايت ابني صلي الله عليه وآله وسلم في اميرى التاميم ذات يوم به نصف النهار فثعب  
 اغبر يده و قارورة فيها دم فقلت يا بني انت و امي ما هذا قال هذا دم الحسين و امي الجليل نزل النقطه

این سخن از کتب معتبره است و در کتب معتبره مذکور است که در روز واقعه آنحضرت در خواب دیدند که فرمود من در قضیه نامرضیه که بلا حاضر بودم و خون هاست شهیدان نزد خدای بر من فی المشکاة من ابن عباس انه قال رايت ابني صلي الله عليه وآله وسلم في اميرى التاميم ذات يوم به نصف النهار فثعب اغبر يده و قارورة فيها دم فقلت يا بني انت و امي ما هذا قال هذا دم الحسين و امي الجليل نزل النقطه

این سخن از کتب معتبره است و در کتب معتبره مذکور است که در روز واقعه آنحضرت در خواب دیدند که فرمود من در قضیه نامرضیه که بلا حاضر بودم و خون هاست شهیدان نزد خدای بر من فی المشکاة من ابن عباس انه قال رايت ابني صلي الله عليه وآله وسلم في اميرى التاميم ذات يوم به نصف النهار فثعب اغبر يده و قارورة فيها دم فقلت يا بني انت و امي ما هذا قال هذا دم الحسين و امي الجليل نزل النقطه

این سخن از کتب معتبره است و در کتب معتبره مذکور است که در روز واقعه آنحضرت در خواب دیدند که فرمود من در قضیه نامرضیه که بلا حاضر بودم و خون هاست شهیدان نزد خدای بر من فی المشکاة من ابن عباس انه قال رايت ابني صلي الله عليه وآله وسلم في اميرى التاميم ذات يوم به نصف النهار فثعب اغبر يده و قارورة فيها دم فقلت يا بني انت و امي ما هذا قال هذا دم الحسين و امي الجليل نزل النقطه





کانون آیاتنا مجبا و از بهیت آن موی براندامم برخواست نرا کردم که و اشیدین  
 ترست یابن سول شد و امر تو مجیب است و از آنجمله آنست که در میدان کربلا شش  
 مبارکش و قتاده بود شخصی خواست که تکه قبای شریف را بگیرد آنحضرت علیا پنجه زد  
 او تا بنیاشد و با سعد ساعدی صحابی نیز سر مبارک در آن سفره ستمن در آمد و سعد  
 الساعدی خواست که سر مبارک را از آن اشقی بگیرد و وجد و جد بسیار نمودن لشکر  
 و در بعضی منازل دیدند که آدم و نوح و غیره انبیاء اولوالعزم آمدند و سر مبارک  
 را در کنار گرفته نوحه و زاری میکردند همچنین بسیاری از حالات در صواعق و غیره  
 منقولند و عمر و زهری در مجلس ولید بن عبد الملک بودند و ولید پرسید کدام  
 از شما میدانید که در روز قتل امام حسین علیه السلام سنگهای بیت المقدس چه بود  
 زهری گفت چنین بمن رسیده است که هیچ سنگی را برنداشتند مگر آنکه در زیر آن  
 خون یافتند و از دیگری نقل کرده اند که گفت چون حسین بن علی شهید شد از آسمان  
 خون بارید و هر چیز که از ما بود پر خون شد و چسبند و از آسمان و چشم ما خون بسته  
 نمود و اخرج ابن ابی حاتم عن عبد الملک عن ابراهیم قال اکت السار من کانت  
 الدنیا الا علی الشین قبل عبید الملک السار و الارض تبکی علی المؤمن قال ذلک مقامه  
 حیث یصعد علیه قتل و تندی ما بکار السار قال لا قال ثمیر و تصیر و رة کالد بان  
 انکبى بن ذکر الما قتل احرمت السار و قطرت دما وان حسین بن علی یوم قتل احرمت  
 السار و لما قتل الحسین احرما ق السار اربعة اشهر و بکار السار حرة اطرافها هذامانی

کانون آیاتنا مجبا و از بهیت آن موی براندامم برخواست نرا کردم که و اشیدین  
 ترست یابن سول شد و امر تو مجیب است و از آنجمله آنست که در میدان کربلا شش  
 مبارکش و قتاده بود شخصی خواست که تکه قبای شریف را بگیرد آنحضرت علیا پنجه زد  
 او تا بنیاشد و با سعد ساعدی صحابی نیز سر مبارک در آن سفره ستمن در آمد و سعد  
 الساعدی خواست که سر مبارک را از آن اشقی بگیرد و وجد و جد بسیار نمودن لشکر  
 و در بعضی منازل دیدند که آدم و نوح و غیره انبیاء اولوالعزم آمدند و سر مبارک  
 را در کنار گرفته نوحه و زاری میکردند همچنین بسیاری از حالات در صواعق و غیره  
 منقولند و عمر و زهری در مجلس ولید بن عبد الملک بودند و ولید پرسید کدام  
 از شما میدانید که در روز قتل امام حسین علیه السلام سنگهای بیت المقدس چه بود  
 زهری گفت چنین بمن رسیده است که هیچ سنگی را برنداشتند مگر آنکه در زیر آن  
 خون یافتند و از دیگری نقل کرده اند که گفت چون حسین بن علی شهید شد از آسمان  
 خون بارید و هر چیز که از ما بود پر خون شد و چسبند و از آسمان و چشم ما خون بسته  
 نمود و اخرج ابن ابی حاتم عن عبد الملک عن ابراهیم قال اکت السار من کانت  
 الدنیا الا علی الشین قبل عبید الملک السار و الارض تبکی علی المؤمن قال ذلک مقامه  
 حیث یصعد علیه قتل و تندی ما بکار السار قال لا قال ثمیر و تصیر و رة کالد بان  
 انکبى بن ذکر الما قتل احرمت السار و قطرت دما وان حسین بن علی یوم قتل احرمت  
 السار و لما قتل الحسین احرما ق السار اربعة اشهر و بکار السار حرة اطرافها هذامانی

کانون آیاتنا مجبا و از بهیت آن موی براندامم برخواست نرا کردم که و اشیدین  
 ترست یابن سول شد و امر تو مجیب است و از آنجمله آنست که در میدان کربلا شش  
 مبارکش و قتاده بود شخصی خواست که تکه قبای شریف را بگیرد آنحضرت علیا پنجه زد  
 او تا بنیاشد و با سعد ساعدی صحابی نیز سر مبارک در آن سفره ستمن در آمد و سعد  
 الساعدی خواست که سر مبارک را از آن اشقی بگیرد و وجد و جد بسیار نمودن لشکر  
 و در بعضی منازل دیدند که آدم و نوح و غیره انبیاء اولوالعزم آمدند و سر مبارک  
 را در کنار گرفته نوحه و زاری میکردند همچنین بسیاری از حالات در صواعق و غیره  
 منقولند و عمر و زهری در مجلس ولید بن عبد الملک بودند و ولید پرسید کدام  
 از شما میدانید که در روز قتل امام حسین علیه السلام سنگهای بیت المقدس چه بود  
 زهری گفت چنین بمن رسیده است که هیچ سنگی را برنداشتند مگر آنکه در زیر آن  
 خون یافتند و از دیگری نقل کرده اند که گفت چون حسین بن علی شهید شد از آسمان  
 خون بارید و هر چیز که از ما بود پر خون شد و چسبند و از آسمان و چشم ما خون بسته  
 نمود و اخرج ابن ابی حاتم عن عبد الملک عن ابراهیم قال اکت السار من کانت  
 الدنیا الا علی الشین قبل عبید الملک السار و الارض تبکی علی المؤمن قال ذلک مقامه  
 حیث یصعد علیه قتل و تندی ما بکار السار قال لا قال ثمیر و تصیر و رة کالد بان  
 انکبى بن ذکر الما قتل احرمت السار و قطرت دما وان حسین بن علی یوم قتل احرمت  
 السار و لما قتل الحسین احرما ق السار اربعة اشهر و بکار السار حرة اطرافها هذامانی

کانون آیاتنا مجبا و از بهیت آن موی براندامم برخواست نرا کردم که و اشیدین  
 ترست یابن سول شد و امر تو مجیب است و از آنجمله آنست که در میدان کربلا شش  
 مبارکش و قتاده بود شخصی خواست که تکه قبای شریف را بگیرد آنحضرت علیا پنجه زد  
 او تا بنیاشد و با سعد ساعدی صحابی نیز سر مبارک در آن سفره ستمن در آمد و سعد  
 الساعدی خواست که سر مبارک را از آن اشقی بگیرد و وجد و جد بسیار نمودن لشکر  
 و در بعضی منازل دیدند که آدم و نوح و غیره انبیاء اولوالعزم آمدند و سر مبارک  
 را در کنار گرفته نوحه و زاری میکردند همچنین بسیاری از حالات در صواعق و غیره  
 منقولند و عمر و زهری در مجلس ولید بن عبد الملک بودند و ولید پرسید کدام  
 از شما میدانید که در روز قتل امام حسین علیه السلام سنگهای بیت المقدس چه بود  
 زهری گفت چنین بمن رسیده است که هیچ سنگی را برنداشتند مگر آنکه در زیر آن  
 خون یافتند و از دیگری نقل کرده اند که گفت چون حسین بن علی شهید شد از آسمان  
 خون بارید و هر چیز که از ما بود پر خون شد و چسبند و از آسمان و چشم ما خون بسته  
 نمود و اخرج ابن ابی حاتم عن عبد الملک عن ابراهیم قال اکت السار من کانت  
 الدنیا الا علی الشین قبل عبید الملک السار و الارض تبکی علی المؤمن قال ذلک مقامه  
 حیث یصعد علیه قتل و تندی ما بکار السار قال لا قال ثمیر و تصیر و رة کالد بان  
 انکبى بن ذکر الما قتل احرمت السار و قطرت دما وان حسین بن علی یوم قتل احرمت  
 السار و لما قتل الحسین احرما ق السار اربعة اشهر و بکار السار حرة اطرافها هذامانی















امام حسين عليه السلام من اولاد امير المؤمنين  
 علي بن ابي طالب من اولاد ابي طالب من اولاد  
 ابراهيم من اولاد اسحاق من اولاد ادم  
 علي بن ابي طالب من اولاد ابي طالب من اولاد  
 ابراهيم من اولاد اسحاق من اولاد ادم

من الصحابة الضياوري عنه ابنه زين العابدين عليه السلام جماعة من كبار التابعين اما  
 اولاد امجاد والاشتراد ابن امام علي بن ابي طالب من اولاد امير المؤمنين علي بن ابي طالب  
 وجعفر ودود وخرقاطه وسكينه وروايت ابن الاخضر وواقفة الشيخ المقيده في  
 سنته اربعة بنين وبنات فزاد في البنين عبد الله وقال ابن الخشاب واقفة ابن طلحة  
 والمحب الطبري ولد الحسين بنته تبين وثلاث بنات فزاد في البنين علي الاربعه المذكور  
 علي الاوسط ومحمد وفي البنات زينب بنتي فعل الاكبر آمنة بنت ابي مرة بن عمرو  
 بن مسعود الثقفية وعلي الاصفر امه شاهزبان بنت كسرى بزجر بن شهر بار بن  
 خسرو بن پرويز بن هرمز بن نوشيروان بن قباد وجعفر امه فضاعة وعبد الله  
 وسكينه امه الزيات بنت امرئ القيس بن عدى الكلابية وفاطمة امه ام محمد  
 بنت طلحة بن عبد الله التميمية فاما علي الاكبر فاقول من يري بيته حتى قيل يكون الامام علي الاوسط  
 فهو زين العابدين علي قول من قال كان منته من الداعيين ليعتقون مليا واما من قال الموتوم  
 بعلي من بلده اثنان يقول زين العابدين عليه السلام هو علي الاصغر وهو صحيح ومن قال  
 زين العابدين هو علي الاوسط يقول علي الاصغر كان صغيرا يوم الطف فانا ههنا فقتله واما  
 عبد الله فقتل صغيرا كبره واما جارسهم وجموني فقتله واما محمد وجعفر فقتل علي  
 احوالها واظن انها ما قبل ان يلتحق بالحكم والفتنة في علي بن الحسين زين العابدين  
 فقط ومن الاناث في فاطمة بنت الحسين فقط وهي ام عبد الله والحسين ابراهيم بن  
 الحسن المشتهر بن الحسن البسطاني عنهم وقد اخرج احمد من صلب علي بن الحسين كشر البسطم

امام حسين عليه السلام من اولاد امير المؤمنين  
 علي بن ابي طالب من اولاد ابي طالب من اولاد  
 ابراهيم من اولاد اسحاق من اولاد ادم  
 علي بن ابي طالب من اولاد ابي طالب من اولاد  
 ابراهيم من اولاد اسحاق من اولاد ادم  
 علي بن ابي طالب من اولاد ابي طالب من اولاد  
 ابراهيم من اولاد اسحاق من اولاد ادم

قول الامام علي بن ابي طالب من اولاد ابي طالب من اولاد  
 ابراهيم من اولاد اسحاق من اولاد ادم  
 علي بن ابي طالب من اولاد ابي طالب من اولاد  
 ابراهيم من اولاد اسحاق من اولاد ادم



سنه و سی و هشت هجری یعنی سی و شش هم گفته پانزدهم جمادی اولی است و نزد  
 اما تیرا ثنا عشر یا اختلاف بسیار است باتفاق کافی و تعدیب سنه سی و هشت  
 و صاحب کشف الغم گفته که ولادت آنحضرت پنجم شعبان بود و شیخ مفید طوسی  
 و سید ابن طاووس و پانزدهم جمادی اول سال سی و شش هجری ذکر کرده و کلینی هم سی و  
 گفته و صاحب جلاء العیون از شیخ طبرسی نقل کرده که ولادت آنحضرت روز جمع  
 یا پنجشنبه پانزدهم جمادی لاضره واقع شده و شیخ شهید گفته که روز شنبه پنجم شعبان  
 متولد شد و در کتاب بیع الابرار ابو القاسم زختری آورده هر گاه صحابه بسیار  
 فارس در خلافت خلیفه ثانی بدین آمدند و در آن سیایسه دختر پادشاه یزدجرد بود  
 پس خلیفه ثانی امر کرد که آیتار ابرو و شند علی مرتضی فرمود که با دختران پادشاهان  
 معامله نباید پس قیمت کرد و گرفت آنرا علی مرتضی پس یکی از آن به عبید الله بن عمر  
 داد و دیگری بحضرت امام حسین یکی به محمد بن ابی بکر پس زختری که حواله امام حسین  
 نمود شهر بانو نام داشت دختر یزدجرد بن شهریار پادشاه عجم از اولاد نوشیروان  
 حاصل است و از آن حضرت امام زین العابدین متولد شد و فرید العصر و وحید الدهر  
 کردید چون عرب کمال میانرا مشاهده کردند در گرفتن سیه رغبت نمودند  
 و کراهتی که داشتند از دل مردمان محو شد هم شریف آنحضرت علی بن الحسین  
 بود و بعضی ابو الحسن گفته و لقب مشهور زین العابدین و سبب این لقب آن بود  
 که شب در نماز تنجید مشغول بود که شیطان بصورت اثر دایمی تمثل گشته تا آنحضرت

بسیار است که در کتب مختلفه از سنه سی و هشت هجری  
 و صاحب کشف الغم گفته که ولادت آنحضرت پنجم شعبان بود  
 و سید ابن طاووس و پانزدهم جمادی اول سال سی و شش هجری ذکر کرده  
 گفته و صاحب جلاء العیون از شیخ طبرسی نقل کرده که ولادت آنحضرت روز جمع  
 یا پنجشنبه پانزدهم جمادی لاضره واقع شده و شیخ شهید گفته که روز شنبه پنجم شعبان  
 متولد شد و در کتاب بیع الابرار ابو القاسم زختری آورده هر گاه صحابه بسیار  
 فارس در خلافت خلیفه ثانی بدین آمدند و در آن سیایسه دختر پادشاه یزدجرد بود  
 پس خلیفه ثانی امر کرد که آیتار ابرو و شند علی مرتضی فرمود که با دختران پادشاهان  
 معامله نباید پس قیمت کرد و گرفت آنرا علی مرتضی پس یکی از آن به عبید الله بن عمر  
 داد و دیگری بحضرت امام حسین یکی به محمد بن ابی بکر پس زختری که حواله امام حسین  
 نمود شهر بانو نام داشت دختر یزدجرد بن شهریار پادشاه عجم از اولاد نوشیروان  
 حاصل است و از آن حضرت امام زین العابدین متولد شد و فرید العصر و وحید الدهر  
 کردید چون عرب کمال میانرا مشاهده کردند در گرفتن سیه رغبت نمودند  
 و کراهتی که داشتند از دل مردمان محو شد هم شریف آنحضرت علی بن الحسین  
 بود و بعضی ابو الحسن گفته و لقب مشهور زین العابدین و سبب این لقب آن بود  
 که شب در نماز تنجید مشغول بود که شیطان بصورت اثر دایمی تمثل گشته تا آنحضرت

بسیار است که در کتب مختلفه از سنه سی و هشت هجری  
 و صاحب کشف الغم گفته که ولادت آنحضرت پنجم شعبان بود  
 و سید ابن طاووس و پانزدهم جمادی اول سال سی و شش هجری ذکر کرده  
 گفته و صاحب جلاء العیون از شیخ طبرسی نقل کرده که ولادت آنحضرت روز جمع  
 یا پنجشنبه پانزدهم جمادی لاضره واقع شده و شیخ شهید گفته که روز شنبه پنجم شعبان  
 متولد شد و در کتاب بیع الابرار ابو القاسم زختری آورده هر گاه صحابه بسیار  
 فارس در خلافت خلیفه ثانی بدین آمدند و در آن سیایسه دختر پادشاه یزدجرد بود  
 پس خلیفه ثانی امر کرد که آیتار ابرو و شند علی مرتضی فرمود که با دختران پادشاهان  
 معامله نباید پس قیمت کرد و گرفت آنرا علی مرتضی پس یکی از آن به عبید الله بن عمر  
 داد و دیگری بحضرت امام حسین یکی به محمد بن ابی بکر پس زختری که حواله امام حسین  
 نمود شهر بانو نام داشت دختر یزدجرد بن شهریار پادشاه عجم از اولاد نوشیروان  
 حاصل است و از آن حضرت امام زین العابدین متولد شد و فرید العصر و وحید الدهر  
 کردید چون عرب کمال میانرا مشاهده کردند در گرفتن سیه رغبت نمودند  
 و کراهتی که داشتند از دل مردمان محو شد هم شریف آنحضرت علی بن الحسین  
 بود و بعضی ابو الحسن گفته و لقب مشهور زین العابدین و سبب این لقب آن بود  
 که شب در نماز تنجید مشغول بود که شیطان بصورت اثر دایمی تمثل گشته تا آنحضرت

بسیار است که در کتب مختلفه از سنه سی و هشت هجری  
 و صاحب کشف الغم گفته که ولادت آنحضرت پنجم شعبان بود  
 و سید ابن طاووس و پانزدهم جمادی اول سال سی و شش هجری ذکر کرده  
 گفته و صاحب جلاء العیون از شیخ طبرسی نقل کرده که ولادت آنحضرت روز جمع  
 یا پنجشنبه پانزدهم جمادی لاضره واقع شده و شیخ شهید گفته که روز شنبه پنجم شعبان  
 متولد شد و در کتاب بیع الابرار ابو القاسم زختری آورده هر گاه صحابه بسیار  
 فارس در خلافت خلیفه ثانی بدین آمدند و در آن سیایسه دختر پادشاه یزدجرد بود  
 پس خلیفه ثانی امر کرد که آیتار ابرو و شند علی مرتضی فرمود که با دختران پادشاهان  
 معامله نباید پس قیمت کرد و گرفت آنرا علی مرتضی پس یکی از آن به عبید الله بن عمر  
 داد و دیگری بحضرت امام حسین یکی به محمد بن ابی بکر پس زختری که حواله امام حسین  
 نمود شهر بانو نام داشت دختر یزدجرد بن شهریار پادشاه عجم از اولاد نوشیروان  
 حاصل است و از آن حضرت امام زین العابدین متولد شد و فرید العصر و وحید الدهر  
 کردید چون عرب کمال میانرا مشاهده کردند در گرفتن سیه رغبت نمودند  
 و کراهتی که داشتند از دل مردمان محو شد هم شریف آنحضرت علی بن الحسین  
 بود و بعضی ابو الحسن گفته و لقب مشهور زین العابدین و سبب این لقب آن بود  
 که شب در نماز تنجید مشغول بود که شیطان بصورت اثر دایمی تمثل گشته تا آنحضرت























